

روزنامه سراسری سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: میرایوب پیرایش قهوه چی
نشانی دفتر تبریز: خیابان امام خمینی(ره) - کلانترکوجه -
کوچه ششم پلاک ۶۱ - طبقه اول
تلفن: ۳۳۳۰۲۷۷۴ (۰۴۱) و ۳۳۳۰۲۷۷۹ (۰۴۱)

تلفکس: ۳۳۳۰۲۷۵۱ (۰۴۱)
آدرس پست الکترونیکی: amine.mardom@yahoo.com
نشانی دفتر تهران: خیابان کارگر - نرسیده به چهارراه لشکر
روبروی ساختمان پست - پلاک ۸۵۱ طبقه سوم - واحد ۶
تلفن: ۶۶۴۹۴۳۱۸ (۰۲۱) و ۶۶۴۹۴۳۹۱ (۰۲۱)
چاپ: چاپ سبز

شنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۵ / ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۴۸ هـ. ق / 10 October ۲۰۲۶ / شماره ۷۳۲۶ / سال بیست و نهم

استخراج ۵۰ درصد طلاهای ناگویا از روی تشک؛ پهلو گرفتن کشتی در بندر طلا!



پدیده فرنگی ایران در ناگویا نیز بدون تردید علیرضا عبدولی بود. چهره‌ای که بعد از چند بدشانس‌ی و ناکامی، این بار قهرمان المپیک را کنار زد و با شایستگی روی سکوی اول قرار گرفت. برادر کوچک‌تر سعید عبدولی، حالا در مسیر جذابی برای آینده کشتی‌اش قرار گرفته است.

تنها برنز ایران در این رقابت‌ها، سهم مهدی بالی شد. چهره‌ای که بعد از دو سال به ایران برگشت تا زیر پرچم کشور خودش مبارزه کند و البته مدال به دست بیاورد. او در جدال نیمه‌نهایی با حریف ژاپنی دچار کمبود نفس شد و این مسابقه را از دست داد. اما ناکام بزرگ ناگویا در کشتی فرنگی، بدون شک غلامرضا فرخی بود. چهره‌ای که سال گذشته قهرمان بزرگسالان جهان، امیدهای جهان و کشورهای اسلامی شد اما در ناگویا، همان کشتی اول را واگذار کرد و از دور مسابقات کنار رفت. او شانس مسلم طلای ایران به شمار می‌رفت و پیش بینی می شد فرخی جوان قدرتمند شیرازی که سال گذشته با کسب مدال طلای مسابقات جهانی از او به عنوان پدیده کشتی فرنگی دنیا نام برده می شد، به راحتی در بازی های آسیایی ناگویا قهرمان شود اما حریف او از دور مسابقات نه تنها این آرزو را بر باد داد بلکه باعث شد تا کشتی فرنگی در عین ناباوری، از نظر مرغوبیت و تعداد مدال ها پایین تر از ژاپن به عنوان تیم برتر قرار گیرد. فراموش نباید کرد که فرخی در ۸۲ کیلو قهرمان جهان شد و اما با دورنمای المپیک لس‌آنجلس برای بازیهای آسیایی به وزن ۸۷ کیلو آمد اما تست فرخی در این وزن اصلا موفق نبود و او خیلی راحت باخت. فرخی برای رقابت‌های جهانی آستانه دوباره به وزن اصلی خود یعنی در ۸۲ کیلو بارخواهد گشت و امیدواریم این ناکامی غیرمنتظره در ناگویا را جبران کند.

به جز فرخی، جواد رضایی در ۶۷ کیلوگرم بسیار دور از انتظار کشتی گرفت و هم در همان نبرد اول شکست خورد تا ضعیف‌ترین فرنگی کار اعزامی باشد. سجاد عباس‌پور در ۶۰ کیلو با وجود کشتی‌های خوبی که گرفت، نتوانست مدال بگیرد. او در ریه شارژ مبارزه برای مدال برنز را هم باخت.

شکست فرنگی کاران نه چندان سرشناس ایران در این رقابت‌ها نشان داد که برای همه اوزان باید به دنبال ستاره های اسم و رسم داری باشیم که حضورشان در رقابت‌های بین المللی مترادف با کسب مدال است.

تیم حسن رنگرز مثل دوره قبلی بازی‌های آسیایی، به ۲ طلا رسید. عملکردی نسبتاً موفق اما نه چندان فوق‌العاده. این اما تنها مقدمه‌ای برای حضور قدرتمند این تیم در جهانی آبان‌ماه بود. عیار واقعی تیم این مربی، در قزاقستان مشخص خواهد شد.

*کشتی آزاد

در کشتی آزاد تقریباً روی ۴ طلا و حتی بیشتر از آن پیش بینی کرده بودیم؛ ۴ طلا در ۶ وزن. همین آمار به تنهایی نشان می‌دهد کشتی آزاد ایران چه عملکرد فوق‌العاده‌ای در ناگویا داشته. گویی آزادکاران فقط با طلا قرارداد بسته بودند!

آزادکاران ایران در ناگویا ۴ طلا گرفتند؛ محمد نخودی در ۸۶ و امیرحسین زارع در ۱۲۵، امیرعلی آذرپیرا در ۹۷ و یونس امامی در ۷۴ کیلو. اما مرزهای

بیستمین دوره بازیهای آسیایی در ناگویا مثل همیشه با عملکرد درخشان و قابل توجه کشتی ایران همراه بود.

ملی پوشان کشتی فرنگی و آزاد با کسب مجموع ۶ مدال طلا و یک برنز به کار خود در این از دوره بازی های آسیایی پایان دادند و یکی از بهترین نتایج تاریخ کشتی ایران در بازی‌های آسیایی را رقم زدند. با کاهش تعداد اوزان کشتی در بازی‌های المپیک و آسیایی از ۱۰ به ۶ وزن، ایران تنها اجازه داشت ۱۲ کشتی گیر به ناگویا اعزام کند که از این جمع، ۷ نفر از آن‌ها با مدال برگشتند که ۶ تای آن طلا بود. بدین ترتیب در مجموع دو رشته آزاد و فرنگی ۵۰ درصد طلا‌ها به ایران رسید و با ۶ طلای کشتی، کاروان ایران با ۱۹ مدال طلا تا رتبه ششم جدول بالا بیاید؛ یعنی ۳۱۰۵ درصد کل طلاها برای کشتی بود.

این عملکرد درخشان در حالی بدست آمد که کشتی ایران برای بازیهای آسیایی ناگویا تصمیم گرفت تیم دوم خود را به رقابت‌ها اعزام کند. با توجه به فاصله زمانی اندک میان بازی‌های آسیایی ناگویا و رقابت‌های جهانی قزاقستان، فدراسیون کشتی تصمیم گرفت نفرات اصلی خود را برای حضور در مسابقات جهانی حفظ کند و فرصت حضور در بازی‌های آسیایی را در اختیار نفرات دوم قرار دهد. برای نخستین بار در تاریخ، فدراسیون کشتی با پذیرش یک ریسک بزرگ، نفرات اصلی خود را برای حضور در بازی‌های آسیایی اعزام نکرد و اولویت خود را به رقابت‌های جهانی قزاقستان اختصاص داد؛ تصمیمی که در عمل نشان داد مسابقات جهانی، هدف اصلی و اولویت نخست فدراسیون کشتی است.

در کشتی فرنگی، محمدهادی ساروی، سعید اسماعیلی، علیرضا مهمدی و علی احمدی‌وفا از نفرات اصلی بودند که به ناگویا اعزام نشدند تا برای حضور در رقابت‌های جهانی قزاقستان آماده شوند. در کشتی آزاد نیز میلاد والی‌زاده، رحمان عموزاده، کامران قاسم‌پور و حسن یزدانی در ترکیب اعزامی به بازی‌های آسیایی حضور نداشتند و تمرکز خود را بر مسابقات جهانی گذاشتند.

تصمیمی که طبیعتاً با ریسک همراه بود، اما ملی‌پوشان اعزامی به ناگویا با عملکردی درخشان، پاسخ این اعتماد را دادند.

*کشتی فرنگی

فرنگی کاران ما با وجودی که طی دو دوره متوالی پیشین بهترین نتیجه و جایگاه را در بازی های آسیایی به دست آورده بودند این بار با دو مدال نقره کمتر و یک پله تنزل زیر دست ژاپنی‌ها ایستادند.

رسیدن به یک ترکیب ۶ نفره از سوی حسن رنگرز برای کشتی فرنگی در ناگویا، اصلاً ساده نبود. او در ماه‌های گذشته با خبر مثبت‌شدن نتیجه دوپینگ یکی از گزینه‌های جدی‌اش در سبک وزن، مصدومیت‌ها در میان‌وزن و البته ناکامی چند چهره جوان در ۹۷ کیلو، کار راحتی برای انتخاب ترکیب اصلی نداشت. فراموش نکنیم که تیم ملی کشتی فرنگی بدون ستاره‌هایی مثل، سعید اسماعیلی، هادی ساروی و پیام احمدی‌راهی ناگویا شد. ۳ مهره‌ای که بدون تردید ایران را صاحب ۳ طلا در ۶۰ کیلو، ۶۷ کیلو و ۹۷ کیلو می‌کردند اما سیاست فدراسیون جلوگیری از خستگی زیاد و مصدومیت ستاره‌هایی بود که کم‌تر از یک ماه دیگر باید در رقابت‌های جهانی کشتی به میدان بروند.

در این مسابقات ۲ مدال طلای کشتی فرنگی در اوزان ۱۳۰ و ۷۷ را به ترتیب امین میرزازاده و علیرضا عبدولی به دست آوردند و تک مدال برنز نصیب مهدی بالی شد.

کشتی فرنگی ایران در ناگویا، ۲ چهره بسیار موفق داشت. امین میرزازاده طبق انتظار همه رقباً را از دم تیغ گذراند و حتی نفر سوم المپیک را شکست داد تا روی سکوی اول قرار بگیرد. او اولین فرنگی‌کار تاریخ ایران است که در ۲ دوره متوالی بازی‌های آسیایی طلا می‌گیرد و اینچنین نام خود را به تاریخ سنجاق کرد. کار بزرگی که حتی ستاره هایی مثل سوخته سربای، سوریان، نوروزی و... به آن نرسیده‌اند.



PDF Compressor Free Version

ذکر روز شنبه

یا رب العالمین
(ای پروردگار جهانیان)

- درگذشت سیدکریم امیری فیروز کوهی شاعر و ادیب متفکر (۱۳۷۳م)
- اعلام جمهوری در چین پس از سقوط امپراتوری این کشور (۱۹۱۲م)
- مرگ فرانسوا فوریه فیلسوف و نظریه پرداز فرانسوی (۱۸۳۷م)
- روز ملی و تأسیس جمهوری «تایوان» (۱۹۴۹م)
- درگذشت «فریدریش نوالیس» شاعر برجسته آلمانی (۱۸۰۱م)

با توجه به اینکه بعد از انجام حجامت، خون های محل زخم را نمی توان به طور کامل پاک کرد و لکه هایی از خون روی محل باقی می ماند، آیا با وجود این لکه ها، نماز صحیح است؟
تا زمانی که شستن و تطهیر محل حجامت، ضرر یا مشقت داشته باشد، نماز خواندن به همان صورت اشکال ندارد؛ اما اگر اطراف محل حجامت یا لباس، نجس شده است، باید تطهیر شود.

امام علی علیه السلام
الْعَبُورُ مَصَادُّ الشَّيْطَانِ.
چشم‌ها، دام‌های شیطانند.

داستان دنباله دار

ساغر قسمت ۳۰ سعیده پیرایش

... آرام دست ساغر را میان دست‌های گرمش گرفت و با لحنی نرم پرسید: «داشتی امتحانم می‌کردی ببینی چطور برات پول خرج می‌کنم؟»

ساغر که تا آن لحظه سرش را پایین انداخته بود و با تمام توان می‌جنگید تا بغضش نشکند، صورتش را بالا آورد. شانه بالا انداخت و با صدایی لرزان پرسید: «به نظرت خیاطی کردن من، پارچه حروم کردنه؟» و بعد انگار که از قضاوت شدن بترسد، دستپاچه اضافه کرد: «می‌دونم زیاد حرفه‌ای نیستم، ولی...»

کمال نگذاشت جمله‌اش تمام شود؛ حرفش را برید و کوتاه پرسید: «چرا؟»

ساغر ماتش برد و ساکت شد. اصلاً سر در نمی‌آورد کمال این «چرا» را به چه منظوری می‌پرسد.

کمال نگاهش را به قامت او دوخت و توضیح داد: «همین مانند شلواری که الان تنته... مگه کار خودت نیست؟»

ساغر مظلومانه به نشانه بله سر تکان داد.

کمال پرسید: «اینا چه عیب و ایرادی دارن؟»

ساغر نگاهی مردم به سر تا پای لباس هایش انداخت و باز هم بی‌صدا شانه بالا انداخت.

کمال به یقه و آستین خودش اشاره کرد و گفت: «به پیراهن من نگاه کن. می‌تونی از دوختش ایراد بگیری؟»

ساغر چشم‌هایش را باریک کرد و دقیق شد. چند ایراد فوق‌العاده جزئی به چشمش آمد؛ از آن چیزهایی که اصلاً به چشم یک آدم عادی نمی‌آمد و کوچک‌ترین اثری روی ظاهر لباس نداشت. راستش حتی نمی‌شد اسمش را ایراد گذاشت، فقط تفاوت‌های ظریف در تمیزی کار صنعتی بود؛ در تمام لباس‌های بازاری دنیا هم چنین چیزهایی پیدا می‌شد.

ساغر چیزی نگفت و فقط نگاهش کرد. کمال لبخندی زد و ادامه داد: «من که هیچ ایرادی توی لباس تو نمی‌بینم. هم حسابی بهت میاد، هم مدلش خیلی خاص و شبیه. همچنین مدلی رو فقط باید بدی یه خیاط کار درست برات بدوزه، وگرنه تو کل این بازار هم بگردی لنگه‌ش پیدا نمی‌شه.»

کم‌کم گرمای آن بغض تلخ فروکش کرد و لبخندی کم‌رنگ اما شیرین روی لب‌های ساغر نشست.

کمال با همان لحن خودمانی و منطقی ادامه داد: «تازه، تو همین رو اگه می‌خواستی بدی بیرون بدوزن که من باید دو برابر پول خیاطی خرج می‌کردم!»

ساغر خنده‌اش گرفت و آرام سر تکان داد. کمال دستش را به گرمی فشرد و با اطمینان گفت: «کارت نه تنها بی‌فایده نیست، بلکه خیلی هم خوب و تمیز انجاش می‌دی... خیالت راحت باشه.»

کمال با همان لحن خودمانی و منطقی ادامه داد: «تازه، تو همین رو اگه می‌خواستی بدی بیرون بدوزن که من باید دو برابر پول خیاطی خرج می‌کردم!»

ساغر خنده‌اش گرفت و آرام سر تکان داد. کمال دستش را به گرمی فشرد و با اطمینان گفت: «کارت نه تنها بی‌فایده نیست، بلکه خیلی هم خوب و تمیز انجاش می‌دی... خیالت راحت باشه.»

کمال با همان لحن خودمانی و منطقی ادامه داد: «تازه، تو همین رو اگه می‌خواستی بدی بیرون بدوزن که من باید دو برابر پول خیاطی خرج می‌کردم!»

ساغر خنده‌اش گرفت و آرام سر تکان داد. کمال دستش را به گرمی فشرد و با اطمینان گفت: «کارت نه تنها بی‌فایده نیست، بلکه خیلی هم خوب و تمیز انجاش می‌دی... خیالت راحت باشه.»

کمال با همان لحن خودمانی و منطقی ادامه داد: «تازه، تو همین رو اگه می‌خواستی بدی بیرون بدوزن که من باید دو برابر پول خیاطی خرج می‌کردم!»

ساغر خنده‌اش گرفت و آرام سر تکان داد. کمال دستش را به گرمی فشرد و با اطمینان گفت: «کارت نه تنها بی‌فایده نیست، بلکه خیلی هم خوب و تمیز انجاش می‌دی... خیالت راحت باشه.»

کمال با همان لحن خودمانی و منطقی ادامه داد: «تازه، تو همین رو اگه می‌خواستی بدی بیرون بدوزن که من باید دو برابر پول خیاطی خرج می‌کردم!»